

جامعه‌شناسی دینی – اسلام‌شناسی اجتماعی
آیا حکومت و شریعت اسلامی قرآنی و الهی اند؟

قرائت قرآن «غیر دینی»

جلد ۱

محدودیت‌های قرآنی و
تحریفات قرائت «رسمی و با واسطه»

رضا آیرملو

پروفسور جامعه‌شناسی - سوئد

توجه: برای تهیه کتاب به کتابفروشی‌های معتبر در اروپا و آمریکا و یا مرکز
توزیع آن در آلمان، کتابفروشی فروغ تلفن: ۰۰۴۹۲۲۱۹۲۳۵۵۷۰۷ و فاکس
۰۰۴۹۲۲۱۲۰۱۹۸۷۸ مراجعه فرمائید.

(این صفحه فقط برای درج در اینترنت اضافه شده است. دوستانی که کتاب را
چاپ می‌کنند می‌توانند از این صفحه صرف نظر کنند.)

آدرس برای اظهار نظر: gghevredini@yahoo.com

فصل ۴ بازیگران و بازی

ارثیه مذهبی و سازمان دینی

در مثال های پیشین، با نادرستی و تحریف منابع «اسلام رسمی و حکومت گر» و ارزش نازل و کیفیت پائین اطلاعات حاصل از «قرائت رسمی و با واسطه» آشنا شدیم. اما این اطلاعات دینی و مذهبی، یا اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی، از کجا در جامعه ما ریشه زده، چگونه دوام آورده و بازتولید شده، و بر اساس چه مکانیسم هایی از نسلی به نسلی منتقل شده و به دست ما و نسل های ما رسیده اند؟

صدها سال شریعت سازی، از زمان فوت رسول تا به امروز، صدها اثر پایه ای با محتوی دینی مخدوش، هزارها کتاب تفسیر و تأویل، ده ها و صدها هزار روایت و حدیث راست و دروغ به وجود آورده است. به بیان علی دشتی، "صدها کتاب چون بحارالانوار، حلیه المتقین، جنات خلود، انوار نعمانی، مرصادالعباد، قصص الانبیاء و قصص العلماء در ایران هست که تنها یکی از آن ها برای مسموم کردن و تباه کردن افکار ملتی کافی است"^{۲۲۴}. بر این آثار مخدوش و گمراه کننده، باید انواع و اقسام رساله های دینی و فتاوی شرعی و فرقه ای را نیز افزود.

²²⁴ علی دشتی، ۲۳ سال، ص ۴۰۶.

نگرشی ولو کوتاه به تحولات سده های اخیر، نشان می دهد که سازمان شیعه گری در ایران، با استفاده از این آثار و به کارگیری هزاران ملا، از آیت الله، حجت الاسلام، بحر العلوم، ثقة الاسلام، قاضی القضاة، تا ملایان روضه خوان، طلاب علوم دینی و ده ها و صدها هزار مأمور خدمات مذهبی و فرقه ای از سید، مرده شور، دعا خوان و دعا نویس تا هیئت های امانا، سرایداران و گدایان مساجد و حسینیه ها، نیروی اجرائی قدرتمندی برای اشاعه دین رسمی حکومت گر و گسترش راه شرعی خود تشکیل داده اند. فقط در طول دویست سال اخیر:

- هزاران مسجد، حسینیه، محکمه و مدرسه دینی، امامزاده و زیارتگاه ساخته و به کار گرفته شده اند،

- شاهان و درباری ها برای حفظ تاج و تخت و توجیه قدرت حاکمه خود، برای پیشبرد این بازی دینی و پایداری کنترل دینی- سیاسی خود، مال و قدرت وقف کرده اند^{۲۲۵}،

- نیروی تعیین کننده استعمار^{۲۲۶} خارجی برای راکد نگهداشتن حرکات اجتماعی و تثبیت عقب ماندگی تاریخی، حتی به تربیت و خرید رهبران دینی دست زده و هزینه مدارس طلاب را پرداخته اند^{۲۲۷}،

- بازار و سرمایه داری سنتی ناظر بر مناسبات اجتماعی و اقتصادی پیشا سرمایه داری، برای گرفتن حکم حلالی ثروت به یغما برده و بهره کشی شرعی خود، مال امام، خمس و زکات پیشکش به اصطلاح "روحانیتی" کرده اند که موقعیت باد آورده شان برنیات استعماری بیگانگان، و از آن جمله، انگیس و روس، و سپس آمریکا بنا شده است^{۲۲۸}.

در نتیجه، این همه "ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کار بوده اند" تا نیروی ملایان فرقه حاکم، امکان تشکل یابد، و قادر به حفظ حیات

²²⁵ ر. ک. به کتاب نویسنده تحت عنوان "توسعه مدرنیسم و اسلام گرایی در ایران و ترکیه".

²²⁶ بهره کشی استعماری از راه حفظ رکود اجتماعی انجام می گیرد و در مقابل، بهره کشی امپریالیستی بر توسعه تحت کنترل سرمایه داری بنا می شود (ر. ک. به کتاب های نویسنده تحت عنوان «استراتژی استعمار نو» و «توسعه مدرنیسم و اسلام گرایی در ایران و ترکیه».

²²⁷ ر. ک. به کتاب نویسنده به شرح پیشین.

²²⁸ ر. ک. به کتاب نویسنده به شرح پیشین.

فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی در حوزه شرعی شود، و از این راه، تحولات تاریخی در این کشور و جوامع را به کنترل خود در آورد^{۲۲۹}. اینان، با استفاده از این امکانات تاریخی، همچنین از طریق کنترل، منع و سانسور اندیشه ها و اندیشمندان دگراندیش، موفق شده اند تا تعلیمات «اسلام رسمی» و «شریعت فرقه ای» خود را از اوان کودکی در دل و جان شهروندان ایرانی کاشته و به ودیعه بگذارند. و این همه به کار آمده تا از ما مردمی ساخته شده که:

- یا تماماً به ایدئولوژی دینی و سیاسی کاست رهبری دینی فرقه شیعه گری حاکم بوسه می زنیم و،

- یا حتی اگر به نحوی و نسبتی از حوزه دینی اینان بیرون آمده ایم، در حوزه های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی شان گرفتار آمده و تطبیق یافته ایم، و به آسانی هم قادر به نجات خود و بیرون آمدن از این تعلیمات فرهنگی شده نیستیم.

انحصار دانش دینی و جعل منابع

بی تردید، یکی از علل تداوم دین سالاری در ایران از تسلط رهبران فرقه ای بر تولید و عرضه اطلاعات دینی ناشی می شود. سردمداران فرقه حاکم با به دست گرفتن انحصار ترجمه و تفسیر کتاب دینی قرآن، هر آن چه خواسته اند بر زبان خدا جاری ساخته و به زبان خدا بیان کرده اند. برای توضیح و توجیه مقام و منصب دینی- دنیوی شان، شرع و شریعت اسلامی ساخته و پرداخته اند. با عناوین ضد توحیدی همچون آیت الله و حجت اسلام، در اموری کار پیامبری کرده و حتی به طوری که در صفحات پیشین نتیجه شد، با تحریف و بازنویسی آیات

²²⁹ ر. ک. به کتاب نویسنده به شرح پیشین.

قرآن، نقش شرکای خدای خالق را بازی کرده و به نام خدا حکم شرعی و فتوای دینی ساخته و صادر کرده اند.

این همه میسر نشده مگر آن که اینان انحصار قرائت، ترجمه و توضیح قرآن را به دست گرفته اند و «قرآن تحت انحصار» خود را برای هر منظوری، «تعبیر و تفسیر» کرده و برای مشروعیت دادن به تسلط و اربابیت خود و اربابان دنیوی شان آیه آورده اند، یا با عرضه تفسیرهای نوظهور، هر حکم و نظر مورد نظر خود را، نظر خدا و "کلام الله" نامیده اند.

امروزه در بسیاری از موارد، مرز بین اینان با رسول و حتی اینان با خدا از بین رفته و در بسیاری موارد:

- رأی و نظر اینان به عنوان رأی و نظر خدا و به همان اندازه لازم الاجرا فرض می شود.

جعل اخبار، روایات و احادیث از سوی شریعت سازان^{۲۳۰}، از زمان های قدیم برای همه آشناست. سردمداران امروزی فرقه شیعی حاکم بر ایران نیز، همانند هر فرقه انحصارگر دیگر، هر وقت لازم شده، در زوایای سنت های اسلامی، از میان صدها هزار حدیثی که خود در موارد دیگر، راست و درست بودن شان را مشکوک و مردود می خوانند، عبارت و روایتی برگزیده و آن را مبنای شرعی بودن خواست و نظریات دنیوی خود قرار می دهند.

اینان اما، آن طوری که در نمونه آغاز کتاب حاضر ملاحظه کردیم، به کاری بیش از فقط جعل حدیث دست می زنند. اینان خود می دانند که دیگر نمی توان «نظم و نثر» متن قرآن رسمیت یافته دوران خلفا را تغییر دهند و از این رو، به دستکاری «معنی و مفهوم آیات»، یعنی درست آن بخشی از قرآن که همه و از جمله خود قرآن در مورد الهی بودنش متفق القولند دست می زنند.

²³⁰ ر. ک. به فصل «تحریف معنی و مفهوم قرآن با احادیث جعلی» در جلد سوم این کتاب.

مهم ترین شیوه دست بردن در «معنی و مفهوم آیات قرآن»، «تفسیر» است. «تفسیر»، آن گونه که در دوره های آغازین بعد از رسول معمول بوده²³¹، به معنی توضیح ساده قرآن نیست. تفسیر بلکه در عمل تاریخی زمان های بعدی، مترادف با تغییر، سانسور و اصلاح معنی قرآن بر اساس منابع، عقاید و علائق بشری است. برخی حتی قدمی فراتر رفته، با دلیل تراشی بدون پایه مبنی بر این که قرآن «معانی باطنی» دارد، به شیوه ای که «تأویل» نامیده می شود روی می آورند. «تأویل» در عمل به معنی الهی نامیدن معنی و مفهومی است که هیچ معادلی در متن اصلی آیات یا آن چه وحی و معجزه الهی خوانده می شود، ندارد. این شیوه غیر دینی، راه سوء تعبیر و تفسیر قرآن را به روی انواع متشرعین هموار می کند و فرصتی فراهم می آورد تا هر فرقه و حتی شریعت سازی: - به نیات و خواسته های دنیوی خود لباس قرآنی بپوشاند و نظر شخصی خود را به نام دین و خدا به خورد توده محروم و عقب نگه داشته شده بدهد.

از این نظر، «انحصار ترجمه و تفسیر قرآن»، به مهم ترین ابزار حکومت و شوکت کاست اربابان دینی، ملایان و انواع شریعت سازان و دین فروشان فرقه تبدیل شده و قدرت نامحدودی را به دارنده حق انحصاری ارمغان می آورد. از این راه، تصمیم و اراده رهبران دینی-فرقه ای، عنوان «اسلامی و الهی» به خود می گیرند و قدرت و تسلط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نامحدودی را در اختیار سردمداران و پدرخوانده های فرقه صاحب انحصار قرار می دهد. حضور ملایان به عنوان شرکای شاهان و حکومت ها و نهایتاً به عنوان حاکمان حکمرانی های گوناگون اسلامی، مدیون جا انداختن این انحصار دینی-دنیوی است.

²³¹ ر. ک. به بحث «بازنویسی معنی و مفهوم کلام الله» در جلد سوم این کتاب.

- کراهت یا منع ورود

این انحصار البته میسر نشده جز آن که نسل تحصیلکرده دهه های گذشته ما از رجوع به منابع مورد مراجعه شریعت سازان و از کند و کاو موضوعات دینی دور مانده، یا به شکلی از اشکال از ورود به حوزه انحصاری دین سازان منع شده اند. نظر سنتی بسیاری از روشنفکران سکولر و مدرن ما بر این تعلق داشته و دارد که گویا:

- "توسعه دانش و افزایش سواد و آگاهی عمومی، خود به خود راه تفکر عقلانی را هموار می کند و تداوم تسلط افکار و اندیشه های دینی و نوع دینی را تقلیل داده و متوقف می کند. بر این باور، راه دور ایستادن از موضوعات «دینی و دینی شده» و پشت کردن به مطالعه و کند و کاو محتوی دینی و فرقه ای، خود به خود به بی اهمیت شدن سلطه دینی می انجامد و زوال تاریخی حکومت و تسلط دینی را تسریع می کند".

این فکر اما، در اساس بر بینش مکانیکی از «تئوری های تکاملی مکانیکی» که در آن انسان در برابر «جبر تاریخی»، فاقد نقش به حساب می آید، متکی است و آن چنان که در عمل تاریخی به اثبات رسید، کارکردی نداشته، جز آن که در عمل، به انحصارگرایان دینی فرصت داده تا حق توضیح و تفسیر دینی را در دست خود حفظ کنند و به وقت ضرور، با مراجعه به منابع دینی ابداعی خود، برای اثبات صحت نیات دینی- دنیوی خود، دلیل و مدرک دینی بسازند. و از این طریق، در افکار توده های محروم، خود را به عنوان نمایندگان و شرکای خدا و مقدسین دینی و فرقه ای جا بیندازند.

در طول این مدت، روشنفکرانی که از این شیوه سنتی تبعیت نکردند و به نقد دینی و عقیدتی روی آوردند:

- یا مثل کسروی به تیغ ترور انحصارگران دینی فرقه حاکم گرفتار آمدند و تاوان ورود به مزرعه خصوصی سردمداران فرقه را پس دادند،

- یا مثل هزاران دگراندیش ایرانی، به جرم ایستادگی در برابر انحصارگران دینی، با عناوینی همچون کافر، منافق و باغی، جان و مال باختند و

- یا در ابعاد هزاران، هستی و دارائی خویش را بر جای نهاده، مجبور به فرار از «کشور دین زده» و قطع ارتباط با توده های تحت ستم و جادو شده دینی شدند.

در این میان، جمعی نیز برای گرفتن جواز ورود به این حوزه انحصاری، و شاید با شبهه پیشبرد آن چه «اصلاحات دینی»^{۲۳۲} از درون» می خوانند، راه سازش به اصطلاح موقتی و تاکتیکی با قشر انحصارگران به اصطلاح "روحانی" را در پیش گرفتند. اینان جز آن که در درون سیستم انحصاری حل شوند، منشاء هیچ تغییری نشدند و در واقع از این همه بازیگرانی که سازش با انحصار و انحصارگران دینی و فرقه ای را برگزیدند، هیچ اثر و نامی در تاریخ باقی نمانده است.

از جمع خودی نیز کسانی مانند مهدی بازرگان و علی شریعتی برای کسب مجوز ورود به حوزه انحصار دینی کوشیدند و به آن نرسیدند مگر آن که به تطبیق تمام عیار با معیارهای حاکم تن دادند و دستبوسی پدر خوانده های فرقه ای را عین دین و ایمان معرفی کردند.^{۲۳۳} دست آوردها و حتی نقد دینی اینان نیز، به هیچ حرکت «پروتستانسیم دینی» نینجامیده و در نهایت، جز به کار تحکیم و تثبیت قدرت انحصاری کاست حاکم و قشریون فرقه ای نیامده اند.

در حال حاضر، از اینان کسانی همچون عبدالکریم سروش به بهانه «اصلاحات دینی»، در خط تبعیت بی چون و چرا از کاست انحصارطلب ملایان پیش می روند. آنان خود بهتر می دانند که دین اسلام بر قرآن متکی است و همانگونه که در حرکت نیمه کاره معتزله هم تجربه شد، «اصلاحات دینی» در اسلام:

²³² به معنی تغییر رنگ و روی ظاهر، و نه به معنی پروتستانسیم و ادامه راه جنبش های اسلامی عقل گرا، همچون جنبش معتزله در معیارهای امروزی.

²³³ ر. ک. به کتاب های نویسنده تحت عنوان: ۱- زن و اسلام شریعتی و ۲- زن در گرداب شریعت.

- نه از انتقاد از سنت های خرافی یا ملایان دینی و فرقه ای،
- بلکه از «نقد عقلانی قرآن» شروع می شود.
تا زمانی که چنین حرکت بنیادی «پروتستانیستی» آغاز نشده، هر گونه
حرکتی تحت عنوان «اصلاح دینی»، جز در خدمت احیای
دین سالاری و تحکیم اربابیت دین سالاران، قرار نمی گیرد و نخواهد
گرفت.

کتاب دوم

قرآن و قرائت «بی واسطه»

فصل ۱ قرائت «بی واسطه» قرآن

راه سوم

دیدیم که «قرائت با واسطه دینی» محصول قرن‌ها دخالت ناروا و تحریف شریعت‌سازان مختلف، از متکلم و فقیه تا مفسر، محدث، قاضی، روحانی و سایر انواع اربابان دینی، در محتوی و معنی و مفهوم آیات قرآن است. بعداً توضیح داده خواهد شد^{۲۳۴} که این دست بردن‌ها در معانی آیات و به کار بردن انواع تعبیر، تفسیر و تأویل: - از سوئی و عمدتاً «دنیوی» است و برای ایجاد و تداوم تسلط سیاسی رهبران اسلامی و توجیه اصل «حکومت دینی» ایجاد شده و «بهره‌کشی دنیوی» توده‌های مؤمن و مسلمان را در برنامه دارد و - از سوی دیگر، آلوده به تعصبات یک سو نگرانه «دینی» است و به ابداعات دگماتیک متشرعین اسلامی پاسخ می‌دهد. برای رسیدن به این هدف‌هاست که مطالعه و عرضه اطلاعات دینی به انحصار در آمده و به خاطر حفظ این منافع دنیوی و دینی است که به عناصر خودی و تسلیم‌شدگان به اربابان حوزه انحصاری اسلامی و فرقه‌ای اجازه داده می‌شود تا هر آن‌چه را که برای حفظ تسلط دینی موجود لازم به نظر می‌رسد، بدون هرگونه تعهد و الزام دینی، ابداع

^{۲۳۴} ر. ک. به بحث مربوطه در جلد سوم این کتاب.

کنند، بگویند و بنویسند. و در صورت ضرورت حتی حرمت «معنی و مفهوم آیات منسوب به خدا» را هم به هیچ انگارند.

با استفاده از این شیوه‌های آلوده به تحریف و همچنین از طریق انحصار تاریخی تولید و عرضه اطلاعات دینی، شریعت‌سازان اسلامی موفق شده‌اند تحریفات خود را به نام خدا، دین و اسلام به خورد توده‌های مسلمان بدهند. آنان چنین می‌نمایند که انگار هر آن چه می‌گویند و می‌نویسند، حرف و کلام خداست و «مستقیماً کسی را مسلمان دیندار یا از دینداری دور می‌کند»^{۲۳۵}.

از این طریق، «مسلمان و دیندار بودن» با «تبعیت از اربابان دینی» یکی فرض می‌شود و ادعا و دروغی به این بزرگی، «توده‌های محروم مسلمان و معتقد به خدا» را مجبور به تبعیت دینی و سیاسی از آنان می‌کند. این در حالی است که طبق نمونه‌های مورد بحث فصل‌های پیشین:

- اطلاعات دینی «رسمی شده‌ای» که به وسیله این شریعت‌سازان تولید و عرضه می‌شوند، نه فقط دین و قرآن را با همه واقعیت‌ها و نیک و بد هایش به تمامی نمایندگی نمی‌کنند، بلکه حتی در بسیاری موضوعات، به راه تحریف عمدی می‌روند و از آن رو:

- «غیر دینی و غیر اسلامی» و حتی «ضد دینی و ضد اسلامی» اند.

این جاست که «رهائی» از قرائت دینی «رسمی و با واسطه‌ای» که محصول دخالت غیر مجاز شریعت‌سازان در مبانی دینی‌اند، برای مسلمانانی که می‌خواهند «ایمان دینی خود را حفظ کنند، ولی به این خاطر، مجبور به تبعیت غیر دینی دین‌سازان نشوند»، به تنها راه انتخاب تبدیل می‌شود. بدون بریدن از این منبع و منزله شدن از این

²³⁵ بعداً در جلد دوم این کتاب خواهیم دید که مشخصه دینی بودن یک عمل در آن است که انجام دادن و ندادنش «مستقیماً کسی را دیندار یا از دینداری دور می‌کند». اعمالی که چنین کارکردی ندارند و فقط با گناه و ثواب سنجیده می‌شوند، می‌توانند «وابسته به اعمال دینی» باشند، ولی قسمتی از «دین» نیستند.

تحریفات دینی رسمی شده، هیچ راهی برای رستگاری، یا درست دیدن و با عقل و منطق بشری برگزیدن، وجود ندارد.

در این جریان، البته هر کسی وظیفه هدایت خود را دارد و هر کسی نیز، خواهی و نخواهی مجبور به انتخاب راهی در یک سه راهی گزینش است:

۱- راه موجود «با واسطه و رسمی»، به شرحی که توضیح داده شد، تبعیت بی چون و چرا از تحریفات شریعت سازان را به همراه دارد، و از همان رو، اگر نتیجه دنیوی هم داشته باشد، به هیچ مقصد دینی نمی رسد.

۲- راه دوم که پشت کردن به دین و ترک باورهای دینی و اسلامی را پی می جوید. ترک دین اما فقط با ترم «بی دینی» قابل توضیح و برابر سازی نیست، چرا که آن چه «بی دینی» یا ترک دین نامیده می شود، حتماً به معنی «بی ایمانی» و ترک هرگونه ایمان نیست. این هر دو بلکه نسبت به شرایط، خود حامل نوعی ایمان است، یا می تواند باشد که با ایمان دینی این یا آن دین ترک شده فرق می کند. از این نظر، «بی دینی» یا ترک دین همانند سایر انواع اعتقادات دینی و نوع دینی عمل می کند یا می تواند عمل کند.

۳- راه سوم به جای «قرائت مخدوش رسمی» بر «قرائت مستقیم و بی واسطه دینی» بنا می شود. این راه، راه کسانی است که:

- هم می خواهند ایمان دینی خود به عنوان اعتقاد به «خدای واحد و خالق» مورد معرفی اسلام^{۲۳۶} را حفظ کنند، و هم:

- به خاطر این ایمان دینی، به تصرف شریعت سازان و اربابان دینی در نیابند و مجبور به تبعیت از اطلاعات دینی تحریف شده نباشد.

«مطالعه مستقیم و بی واسطه» به عنوان راه سوم، دسترسی بدون واسطه و دست نخورده به اطلاعات «دینی» و «غیر دینی» دین را ممکن می کند. از این طریق، هر کسی امکان هدایت دینی خود را می یابد و هر کسی نیز از طریق کند و کاو در «کتاب دینی قرآن»،

²³⁶ "دین" در اسلام، یعنی آن چه انجام دادن یا ندادنش کسی را با دین و مسلمان، یا بی دین و غیر مسلمان می کند، عبارت از «ایمان به خدای واحد خالق جهان» است. برای توضیح بیشتر ر. ک. به فصل مربوطه تحت عنوان «موضوع و محتوای دین در اسلام» در جلد دوم این کتاب.

حق و اختیار جدا کردن سره دینی از ناسره غیر دینی را به مرحله عمل در می آورد. به بیان دیگر، هر کسی حق این را می یابد تا:

- دین را با محتوی دینی حفظ کند و هر چه «غیر دینی» است را، ولو در قرآن و به صورت آیه‌های قرآنی، به کناری نهد.

در این جا، دین عملی فردی و به معنی رابطه فرد با خداست و کس دیگری حق دخالت در آن و ممیزی این رابطه را ندارد. با گزینش این راه سوم و فراهم آمدن مطالعه دینی «بی واسطه»:

- دیگر کسی برای مسلمان بودن و ماندن و ادامه زندگی دینی خود مجبور به بوسه زدن بر تحریفات انحصارگران دینی و تحمل حاکمیت سیاسی و فرهنگی دین سالاران دین ساز، نخواهد بود. به بیان دیگر، با بهره مندی از دانش دینی حاصل از «مطالعه بی واسطه دینی»:

- می توان «مسلمان دینی» بود،

- اما به این سبب، مجبور به وابستگی ایمانی و ذهنی به «دین رسمی شده» و همچنین انحصارگران دینی- دنیوی فرقه حاکم نشد و نیازی به تبعیت از "حکومت و احکام شرعی"، که ساخته و پرداخته دین فروشان و اربابان دینی- دنیوی اند، نداشت.

به سبب ایمان دینی به خدا، مجبور به پذیرش دخالت دین و دین سالار در سیاست و زندگی اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نشد و در عین ایمان به خدای خالق جهان، در زندگی اجتماعی خود، طرفدار جدائی دین از سیاست بود و بشری و لائیک زندگی کرد.

این جاست که «مطالعه بی واسطه» به راه رهائی از تسلط انحصاری دین سازان تبدیل می شود و رهائی از استثمار تاریخی دین و اسلام حکومت گر را در پی می آورد.

قرآن، اساس مطالعه دینی اسلام

دین اسلام بر نوشته ها و محتوی قرآن بنا می شود. بعداً خواهیم دید که در بازسازی آن چه "شرع اسلامی" خوانده می شود، غیر از قرآن،

منابع و موضوعاتی همچون حدیث، اجماع، قیاس و حتی «عقل دینی»^{۲۳۷} دخالت دارند. با این حال، هیچ کدام از این منابع دینی: - نه می توانند با صلاحیت دینی قرآن به رقابت برخیزند، - نه می توانند جای خالی قرآن را پر کنند و، - نه می توانند با صحت دینی محتوی قرآن برابر فرض شده، یا به خودی خود و بدون نیاز به تأیید دینی (تأیید قرآنی)، اعتبار دینی کسب کرده یا صحت دینی ایجاد کنند. در ضمن، قرآن دارای ویژگی هائی است که هیچ کدام از منابع دیگر دینی ندارند. برای مثال:

۱- قرآن تنها نوشته اسلامی است که بنا به باور مسلمانان، از سوی خدا "نازل" شده و بنا به آیات خود قرآن، حداقل، «معنی و مفهوم» از آن خداست^{۲۳۸} (آیه ۶ سوره فرقان؛ آیه ۱ سوره القدر، آیه ۶ سوره النمل و سایر). این در حالی است که همه منابع دیگر از قبیل حدیث، اخبار و اجماع، بشری اند و وسیله متشرعینی که کارشان ساختن و پرداختن دین و شرع دینی است، به وجود آمده اند.

۲- قرآن تنها مرجعی است که عمدتاً در زمان پیامبر و خلفای راشدین نگارش یافته و تغییرات ممکن بعدی اش^{۲۳۹}، حداقل از نظر نظم و نثر بسیار اندک بوده یا می توانسته اندک باشد. سایر منابع شرعی، بسیار دیر؛ یعنی در طول صدها سال پس از پیامبر اسلام، ساخته و پرداخته شده و نگارش یافته اند.

²³⁷ ر. ک. به فصل «شرع اسلامی»، اسلامی نیست» در جلد سوم این کتاب.
²³⁸ ر. ک. به بحث مربوطه، تحت عنوان «محتوی "کلام الله" - نظم و نثر یا معنی و مفهوم» در جلد اول و «نزول با یا بی واسطه» در جلد دوم این کتاب.
²³⁹ بزرگترین تغییر نظم و نثر قرآن در زمان خلیفه سوم عثمان انجام شد. بر خلاف ادعاها، هیچ کدام از این نسخه های موجود، از قرآن های اولیه، چه قرآن دو جلدی دوره ابوبکر یا قرآن یک جلدی دوره عثمان، موجود نیست و کسی هم نمی داند که نسخه های قرآن های اولیه چه شده اند و چرا با وجود تداوم مستمر حکومت های اسلامی، هیچ کدام از نسخ اولیه در بین نیستند (برای اطلاعات بیشتر ر. ک. به فصل «کتابت قرآن» در جلد دوم این کتاب).

۳-- قرآن تنها نوشته دینی مسلمانان است که پس از اعتراضات و ایرادگیری های اولیه^{۲۴۰}، حداقل از نظر «ظاهر یا نظم و نثر» سوره ها و آیاتش مورد قبول اکثریت مسلمانان است. قرآن حتی در زمانی که با اتهام دخالت و تحریف خلفا، از آن جمله خلیفه سوم عثمان، رو به رو بوده، از نظر نظم و نثر، کمتر از هر منبع اسلامی دیگر مورد تردید گروه های مسلمان قرار می گرفته است. این در حالی است که عدم صحت هزاران و صدهزاران حدیث، به ثبوت رسیده و حتی بیشتر از ۹۵-۹۰ درصد از احادیث جمع اوری شده از سوی مفسرین و محدثین نامی اسلامی مردود و ساختگی اعلام شده اند^{۲۴۱}. آش به قدری شور است که تقریباً همه مذاهب و فرقه های اسلامی، همدیگر را به ساختن احادیث ساختگی متهم می کنند.

۴- به طور نظری، همه منابع دیگر اسلامی، به نوعی محصول تفسیر، توضیح و توجیه قرآن اند، یا در همخوانی با محتوی آن، ساخته و پرداخته شده اند^{۲۴۲}، باشد که در عمل و در جریان تفسیر قرآن، احادیث راست و دروغ، محتوی آیات را تعیین می کنند و معنی و مفهوم قرآن را تغییر می دهند^{۲۴۳}.

این ویژگی های دینی تعیین کننده، ه این نتیجه می رسد که:
- مطالعه دینی در اسلام، در اساس به معنی مطالعه قرآن است و به بیان دیگر:

240 از آن جمله، شیعیان علی "اصالت سوره های ۱۱۳ و ۱۱۴ قرآن را انکار می کردند" (پطروشفسکی، اسلام در ایران، ص. ۱۱۶).

241 ر. ک. به فصل «تحریف معنی و مفهوم قرآن با احادیث جعلی» در جلد سوم این کتاب.
242 بعداً خواهیم دید که این رابطه در عمل، بر عکس است. بدین معنی که متشرعین اسلامی از سوئی ادعا می کنند که حدیث و اجماع نسبت به قرآن فرع اند و نمی توانند در تضاد با آن قرار گیرند یا آن را تغییر دهند، ولی از سوی دیگر، برای پیشبرد کار دنیوی شان، قرآن را به وسیله احادیث راست و دروغ خود ترجمه و تفسیر می کنند. این به معنی فرع پنداشتن آیات منسوب به الهی قرآن در مقابل اصل دین احادیث بشری است. بدین ترتیب، احادیثی که در «تئوری دینی»، فرع و تابع معنی و مفهوم قرآن اند، در «عمل دنیوی»، محتوی و معنی و مفهوم قرآن را تعیین کرده و تغییر می دهند (ر. ک. به فصل «اصل "کلام الله" تابع فرع احادیث بشری» در جلد سوم این کتاب).

243 ر. ک. پیشین.

- قرآن «تنها» سند معتبر اسلام است و مطالعه اسلام، جز از راه مطالعه قرآن ممکن نیست، و جز به همان راه کج شریعت سازان نمی رود.

این است که:

۱- بر خلاف اطلاعات مخدوش «رسمی»، حاصل از «قرائت یا واسطه» که محصول اختلاط منابع مختلف بشری از جمله روایات و احادیث راست و دروغ و همچنین اجماع، فتوا و سایر ابداعات بشری با محتوی قرآن است،

۲- «دانش دینی بی واسطه ای» که در این کتاب عرضه می شود صرفاً از مطالعه مستقیم قرآن به دست می آید و غیر از قرآن هیچ مرجع دیگری ندارد و هیچ مرجع دیگری را برای تفسیر و تعبیر معنی و مفهوم قرآن مورد استفاده قرار نمی دهد. به بیان دیگر، تحقیق و کتاب حاضر، با در مرکز قرار دادن «مطالعه بدون واسطه قرآن»:
- هم خود را از «منابع، مطالعات و اطلاعات با واسطه دینی» متمایز می کند و،

- هم از مراجعه به هرگونه منبع دینی «رسمی و با واسطه»، که نهایتاً غرق شدن در باطلاق دین سازی های متشرعان را به همراه می آورد، می پرهیزد.

- تحقیق کارکرد اجتماعی دین و نه باور دینی

در آغاز کتاب دیدیم که "موضوع تحقیق این کتاب نه دین و «قرآن دینی»، که «کارکرد دنیوی» دین و قرآن در جامعه امروزی است. بر اساس این «پیش فرض»، در این کتاب فقط امور «غیردینی» قرآن مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد و از تجزیه و تحلیل چگونگی های محتوی «دینی»؛ تا زمانی که فقط «دینی» اند، خودداری می شود.^{۲۴۴} بر این اساس، منظور از «مطالعه بی واسطه قرآن»، «مطالعه بی واسطه قرآن غیر دینی» است.

²⁴⁴ ر. ک. به بحث آغازین کتاب در مورد «قرائت بی واسطه قرآن غیردینی».

بر اساس این گزینش، در این کتاب از تحقیق علمی و ارزیابی میزان صحت «باورهای دینی»، خودداری می‌کند و کار دینداری را به احساس قلبی و نیاز روحی و روانی هر کس و می‌گذارد تا بر اساس دریافت‌های شخصی خود، به نوعی از باور دینی نایل شود یا از نوعی باور دینی بپرهیزد.

به بیان دیگر، آیات قرآن تا جایی که صرفاً دینی‌اند و برای اهداف دینی به کار می‌روند، در حوزه بحث، تحلیل و ارزیابی این کتاب جا نمی‌گیرند. ولی به وقتی که قرآن و احکام ولو دینی آن، جنبه دنیوی به خود می‌گیرند و از حوزه صرف دین و اعتقاد دینی پا فراتر می‌گذارند، در حوزه مطالعات این کتاب جا می‌گیرند و با ابزار و شیوه‌های علوم مثبت‌مورد بحث و تحلیل قرار می‌گیرند".

برای نمونه، آیات سوره اخلاص از جمله آیات صرفاً دینی قرآن‌اند و به همین سبب نیز در حوزه علوم مثبت‌مورد ارزیابی علمی این کتاب قرار نمی‌گیرند: **«بگو او خداوند یگانه است. خداوند مهتر (بی‌نیاز). نه می‌زاید و نه زاده می‌شود. و او را هیچ کس هم‌تا نیست»**^{۲۴۵} (سوره اخلاص، آیات ۴-۱). اما بنیادگرایی مانند مکارم شیرازی و شرکاء، توحید خداوند خالق جهان به شرح فوق را نیز مبنائی برای اثبات ایدئولوژی سیاسی خود قرار می‌دهند و به آن وسیله، برای حکومت دنیوی خود دلیل دینی و تأیید الهی می‌سازند. به نظر اینان گویا: **«توحید و یگانگی خداوند به معنی توحید و یگانگی مسلمانان در جامعه و در حوزه «مالکیت، حاکمیت، قانونگذاری و اطاعت» است و آن همه به معنی گردن نهادن به «نظمی اسلامی»^{۲۴۶} است»**^{۲۴۷}.

²⁴⁵ قرآن، ترجمه بهالدین خرمشاهی.

²⁴⁶ بعدا خواهیم دیدی که «نظم و حکومت اسلامی» به معنی «نظم و حکومت دینی و الهی» نیست. نظم و حکومت اسلامی بر «شریعت اسلامی» بنا می‌شود. این در حالی است که آن چه «شریعت اسلامی» خوانده می‌شود، عمدتاً تولید بشر است و از تفسیر و تأویل بشری آیات قرآن، ابداع احادیث ساختگی و اجماع نظر شریعت‌سازان ساخته و پرداخته شده است، و در نتیجه، نه دینی و نه الهی است (ر. ک. به «نظریه ضد دینی «حکومت دینی» در اسلام» در جلد سوم این کتاب).

²⁴⁷ تفسیر نمونه، پیشین، ج ۲۷، ص ۴۵۰-۴۴۶.

یک چنین ادعا و تفسیر و تعبیر، «محتوی دینی» این آیات را از «صرف دینی» خارج کرده و به آن‌ها «هویت سیاسی و اجتماعی» می‌بخشد. این است که وقتی آیات صرفاً "دینی"، برای توجیه «مرام سیاسی و حاکمیت دینی» دین‌سالاران اسلامی مورد استفاده قرار می‌گیرند، هویت‌شان از صرف «دینی دینی» به «دینی دنیوی» تغییر می‌یابد و از آن رو، در حوزه تحلیل «قرآن غیر دینی» این کتاب قرار می‌گیرند. در نتیجه، می‌توان چنین فرموله کرد که:

۱- تا آن جا که این و سایر آیات قرآنی، «دینی اند»^{۲۴۸} و مثلاً در مورد توصیف یگانگی و ایمان به خداوندی خدا به کار می‌آیند، رد و اثبات آن نیز دینی است و از آن رو در حوزه ارزیابی علوم مثبت‌ه این کتاب قرار نمی‌گیرند.

۲- اما زمانی که این و سایر آیات دینی به مبنای ایدئولوژی اجتماعی تبدیل می‌شوند و برای مشروعیت بخشیدن به حکومت و قدرت دینی به کار می‌آیند، دیگر مفهوم صرفاً دینی خود را از دست می‌دهند و در حوزه ای قرار می‌گیرند که علوم و منطق علوم مثبت‌ه بر آن حکم می‌رانند، و از آن رو، در حوزه کند و کاو و شناخت علمی این کتاب قرار می‌گیرند.

از همین رو، با آن که موضوع باور دینی موضوع مطالعه این کتاب نیست، جلد دوم این کتاب به توضیح برخی از موضوعات «قرآن دینی» که از نظر «قرآن غیر دینی» حائز اهمیت اند، اختصاص یافته است. این موضوعات و نتیجه‌گیری‌های حاصل از آن، بعداً برای توضیح موضوعات مربوط به «قرآن غیر دینی» در جلد سوم کتاب مورد استفاده قرار می‌گیرند.

²⁴⁸ در جلد دوم این کتاب، این نتیجه حاصل شده که دین در اسلام صرفاً به معنی «ایمان فردی به خداست».

